

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

دین و دوران

خلاصه آثار شهید مطهری

(دفتر ششم)

فهرست مطالب

۱۳.....	مقدمه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام
خلاصه کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»	
۲۳.....	پیشگفتار
۲۵.....	فصل اول: اسلام از نظر ملت ایرانی
۲۵.....	مقدمه
۲۷.....	کبرای بحث (مقیاس ملیت)
۲۹.....	صغرای بحث
۳۰.....	۱ - آیا اسلام رنگ ملت پخصوصی دارد؟
۳۳.....	۲ - آیا ملت ایران اسلام را با رغبت پذیرفته است؟
۳۹.....	پاسخ به دو شبهه
۴۰.....	۱ - زبان فارسی
۴۲.....	۲ - مذهب تشیع
۴۷.....	خاتمه فصل اول
۴۸.....	فصل دوم: خدمات اسلام به ایران
۴۸.....	مقدمه
۵۲.....	بخش اول: نظام فکری - اعتقادی
۵۴.....	۱ - بررسی وضعیت پیروان ادیان
۵۹.....	۲ - بررسی عقاید ادیان

عقاید آریایی قبل از زرتشت	۶۰
اصلاحات زرتشت	۶۰
تحولات عقاید آریایی پس از زرتشت	۶۱
ثنویت زرتشتی	۶۳
ثنویت مانوی و مزدکی	۷۰
بخش دوم: نظام اجتماعی	۷۰
بخش سوم: نظام خانوادگی	۷۱
بخش چهارم: نظام اخلاقی	۷۴
بخش پنجم: پاسخ به دو شبهه	۷۵
نقد و بررسی ادله	۸۰
خاتمه فصل دوم: کارنامه اسلام در ایران	۹۰
فصل سوم: خدمات ایران به اسلام	۹۳
۱. قرائت	۱۰۱
۲. تفسیر	۱۰۲
۳. مفسرین و تفاسیر اهل تسنن	۱۰۵
۴. حدیث و روایت	۱۰۷
۵. شیعه و حدیث	۱۰۸
۶. اهل تسنن و حدیث	۱۱۰
۷. فقه و فقاہت	۱۱۱
۸. فقهای نامدار شیعه	۱۱۲
۹. فقهای اهل تسنن	۱۱۷
۱۰. ادبیات	۱۱۹
۱۱. علم کلام	۱۲۲

فهرست مطالب ٧٠

١٢٤.....	٧. فلسفه و حکمت
١٢٤.....	طبقه اول
١٢٥.....	طبقه دوم
١٢٥.....	طبقه سوم
١٢٦.....	طبقه چهارم
١٢٧.....	طبقه پنجم
١٢٧.....	طبقه ششم (طبقه نوابغ)
١٢٩.....	طبقه هفتم
١٢٩.....	طبقه هشتم
١٣١.....	طبقه نهم
١٣١.....	طبقه دهم
١٣٢.....	طبقه یازدهم
١٣٣.....	طبقه دوازدهم
١٣٤.....	طبقه سیزدهم
١٣٤.....	طبقه چهاردهم
١٣٥.....	طبقه پانزدهم
١٣٥.....	طبقه شانزدهم
١٣٦.....	طبقه هفدهم
١٣٦.....	طبقه هجدهم
١٣٧.....	طبقه نوزدهم
١٣٨.....	طبقه بیست
١٣٨.....	طبقه بیست و یکم
١٣٩.....	طبقه بیست و دوم

۱۴۰	طبقه بیست و سوم
۱۴۰	طبقه بیست و چهارم
۱۴۱	طبقه بیست و پنجم
۱۴۱	طبقه بیست و ششم
۱۴۱	طبقه بیست و هفتم
۱۴۲	طبقه بیست و هشتم
۱۴۳	طبقه بیست و نهم
۱۴۳	طبقه سی ام
۱۴۴	طبقه سی و یکم
۱۴۵	طبقه سی و دوم
۱۴۷	طبقه سی و سوم
۱۵۰	۸. عرفان و تصوف
۱۵۲	عرفان و اسلام
۱۵۴	قرن اول
۱۵۴	قرن دوم
۱۵۵	قرن سوم
۱۵۶	قرن چهارم
۱۵۶	قرن پنجم
۱۵۷	قرن ششم
۱۵۷	قرن هفتم
۱۵۹	قرن هشتم
۱۶۰	قرن نهم
۱۶۰	عرفان و تصوف پس از قرن نهم

فهرست مطالب ۹۰

۱۶۱.....	۹. ذوق و صنعت
۱۶۲.....	دو قرن سکوت
	خلاصه کتاب «نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر»
۱۶۷.....	وازه اصلاح
۱۶۸.....	جنبیش‌های اصلاحی در تاریخ اسلام
۱۷۰.....	سید جمال الدین
۱۷۵.....	شیخ محمد عباده
۱۷۶.....	کوکبی
۱۷۷.....	افول اندیشه اصلاح در جهان عرب
۱۷۸.....	اقبال
۱۸۰.....	حرکت‌های اصلاحی شیعه
۱۸۱.....	نهضت اسلامی ایران
۱۸۱.....	ماهیت نهضت
۱۸۲.....	ریشه نهضت
۱۸۳.....	هدف نهضت
۱۸۴.....	رهبری نهضت
۱۸۶.....	آفات نهضت
۱۸۸.....	شرایط موفقیت مصلح
	خلاصه دو کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» و «پیرامون جمهوری اسلامی»
۱۹۱.....	مقدمه
۱۹۳.....	فصل اول: تحلیل کلی انقلاب‌ها
۲۰۰.....	فصل دوم: بررسی انقلاب اسلامی ایران
۲۰۰.....	۱- بررسی افراد و گروههایی که بار نهضت را بر دوش کشیدند
۲۰۴.....	۲- ریشه‌یابی علل مؤثر در انقلاب

۳ - تحلیل نقش رهبر و تاکتیک‌های رهبری ۲۰۶
۴ - اهداف نهضت ۲۰۸
۵ - توجه به گستردگی و فرآگیر بودن نهضت ۲۱۱
۶ - شعارهایی که به نهضت، حیات و حرکت می‌بخشید ۲۱۲
فصل سوم: حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ۲۱۳
۱ - عدالت اجتماعی ۲۱۴
۲ - معنویت اسلامی ۲۱۶
۳ - استقلال و آزادی ۲۲۰
نقش روحانیت در آینده انقلاب ۲۲۸
فصل چهارم: حکومت اسلامی ۲۳۱
۱ - تعریف حکومت ۲۳۱
۲ - لزوم حکومت ۲۳۲
۳ - حق حاکمیت ۲۳۳
۴ - چه کسی شایسته است حکومت کند؟ (شرایط حاکم) ۲۳۶
۵ - شکل و نظام حکومت ۲۳۶
خلاصه کتاب «اسلام و مقتضیات زمان ۱ و ۲» ۲۴۰
مقدمه ۲۴۰
فصل اول: تغییرات زمانه و اسلام ۲۴۵
فصل دوم: مکانیسم انطباق اسلام با زمان ۲۶۸
فصل سوم: عدم سریان تغییر در همه چیز ۲۸۵
جبر زمان و مسئله عدالت ۲۹۹
جبر تاریخ ۳۰۲

خلاصه کتاب «جهاد»

۳۱۵.....	اعتراض به حکم جهاد
۳۱۶.....	پاسخ اعتراض اول
۳۱۷.....	نظر اسلام درباره جهاد
۳۲۵.....	پاسخ اعتراض دوم
۳۲۹.....	پاسخ اعتراض سوم

خلاصه کتاب «قیام و انقلاب مهدی(عج)»

۳۳۵.....	فصل اول: سرانجام تاریخ
۳۳۵.....	مقدمه
۳۳۹.....	بینش دیالکتیکی یا ابزاری
۳۴۶.....	بینش انسانی یا فطری
۳۵۱.....	دو نوع تلقی از انسان
۳۵۲.....	تلقی قرآن از انسان
۳۵۳.....	جامعه ایده‌آل و انتظار بزرگ
۳۵۵.....	دو نوع انتظار
۳۵۸.....	فصل دوم: شهید
۳۵۸.....	قداست شهید
۳۵۹.....	حق شهید
۳۵۹.....	بدن شهید
۳۶۰.....	منشأ قداست شهادت
۳۶۱.....	جهاد یا مسؤولیت شهید
۳۶۴.....	نشاط شهید
۳۶۵.....	منطق شهید
۳۶۶.....	حماسه و خون شهید

۳۶۶	جاودانگی شهید
۳۶۷	شفاعت شهید
۳۶۸	گریه بر شهید و فلسفه آن
۳۷۱	تربیت شهید
۳۷۳	کتابنامه
۳۷۳	الف) کتاب‌های خلاصه شده
۳۷۳	ب) کتاب‌های دیگر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لننهضي لو لا أن هداانا الله

این دفتر خلاصه هفت عنوان از آثار استاد شهید مرتضی مطهری است که موضوع آن‌ها تاریخ، سیاست و مباحث نظری در باب رابطه دین اسلام با این دو می‌باشد و از این رو نام دین و دوران بر آن نهاده شده است. عناوین آثار خلاصه شده عبارتند از: خدمات متقابل اسلام و ایران، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، پیرامون انقلاب اسلامی، پیرامون جمهوری اسلامی، اسلام و مقتضیات زمان (۲ جلد)، قیام و انقلاب مهله‌ی عجل الله تعالى فرجه، به ضمیمه شهید، و جهاد.

موضوعات خاص این کتاب‌ها چه بسا تغایری با دیگر آثار استاد مطهری را به ذهن متبدار کند، اما دو ویژگی مشترک این کتاب‌ها با دیگر آثار استاد قابل توجه است؛ اول رویکرد عقلی و استدلایل استاد در همه مباحث، حتی در تحلیل‌ها و نقدهای تاریخی است که به عنوان نمونه می‌توان به نقدهای ایشان بر شبهه کتاب‌سوزی ایران و مصر اشاره کرد. اتفاقاً فکری و قوت تحلیل در این رویکرد سبب شده که مثلاً کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران علی‌رغم استفاده از منابع دست دوم تاریخی، خود به کتابی مرجع و معتبر در زمینه مسائل مشترک اسلام و ایران تبدیل گردد.

ویژگی دیگر این آثار استاد، همان روح مشترک تمام آثار ایشان، یعنی دردمندی و غیرت دینی است که درس آموزترین بعد اندیشه و شخصیت استاد

مطهری برای تمام اندیشمندان و عالمان دینی می‌باشد. خود استاد در این زمینه چنین می‌گوید:

«نوشته‌های این بندۀ برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با این‌که موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از همه این‌ها یک چیز بوده و بس. این بندۀ از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام، تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است.»^۱

تحلیل و تفصیل بیشتر در باب اندیشه‌های تاریخی و سیاسی استاد مطهری فرصت دیگری می‌طلبید که در مقدمه این کتاب مجال پرداختن به آن نیست. در این‌جا برای شناخت بهتر کتاب‌های خلاصه‌شده، اشاره کوتاهی به محتوا و تاریخچه شکل‌گیری و چاپ‌های یک از آن‌ها می‌نماییم.

کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران دارای سه بخش اصلی است:

۱. اسلام و مسئله ملیت و این‌که آیا میان احساسات مذهبی و اسلامی با احساسات میهنی و ایرانی تعارضی وجود دارد یا نه.
۲. خدمات اسلام به ایران و این‌که ورود اسلام به ایران چه نقشی در اعتلا یا انحطاط فرهنگ و تمدن ایرانیان داشته است.

۳. خدمات ایران به اسلام و بررسی نقش ایرانیان در میان مللی که به اسلام گرویدند و با تشریک مساعی تمدن عظیم اسلامی را به وجود آورندند.

بخش اول این کتاب، تکمیل سه سخنرانی استاد مطهری در ماه محرم سال ۱۳۸۸ هجری قمری (۱۳۴۷ شمسی) و بخش دوم و سوم نیز صورت تفصیل یافته شش سخنرانی در ماه صفر همان سال است. این کتاب، اولین بار در سال ۱۳۵۰ چاپ شد. هر یک از چاپ‌های هفتم (۱۳۵۶) و هشتم (۱۳۵۷) این کتاب با

۱. عدل الهی، ص ۱۳.

اصلاحات و افزوده‌هایی همراه بوده و آن‌چه تاکنون چاپ شده، تجدید چاپ همان چاپ هشتم می‌باشد.

استاد مطهری خود در باب اهمیت این کتاب چنین می‌نویسد: «این بنده در تمام سخنرانی‌هایی که در مدت اقامتم در تهران ایجاد کردم، هیچ سخنرانی از سخنرانی‌های خود را ندیدم که مانند این سخنرانی مورد توجه و استقبال قرار گیرد، خصوصاً شش سخنرانی ای که تحت عنوان خدمات متقابل اسلام و ایران ایجاد شد. از مرکز و شهرستان‌ها فراوان مراجعه می‌شد و نوارها کبی می‌گشت. مخصوصاً از طرف طبقه دانشجو بیش از سایر طبقات مورد استقبال واقع شد. این عنایت و استقبال، معلوم امتیاز خاصی در آن سخنرانی‌ها نبود. صرفاً معلوم علاقه‌ای است که ایرانیان طبعاً به مسائل مشترک اسلام و ایران دارند.

متأسفانه با این که ضرورت مبرم ایجاب می‌کند که این مسائل هر چه بیشتر و واضح‌تر تجزیه و تحلیل شود و در اختیار عموم طبقات، بخصوص طبقه جوان قرار گیرد، تا آن‌جا که من اطلاع دارم، تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه نشده و کتاب حاضر اولین کتاب است در موضوع خودش»^۱.

استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران به برخی از موضوعات تحقیقاتی اشاره می‌کند که قابل توجه است. یکی اصل موضوع در باب مسائل مشترک اسلام و ایران است که به تعبیر ایشان: اگر بنا باشد بحث کافی در همه این مسائل به عمل آید، چند مجلد بزرگ خواهد شد. همچنین به عنوان برخی مصاديق مهم در این راستا استاد به دو شخصیت نامی ایرانی اشاره می‌کند که بررسی آثار و افکار آن‌ها شایسته تحقیق است، بویژه از جهت شباهتی که در باب گرایش‌های ایرانی و ضداسلامی آن‌ها وجود دارد. آن دو شخصیت عبارتند از: حکیم ابوالقاسم فردوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق.^۲ لازم به ذکر است که استاد مطهری، در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران

۱ . خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۱۴-۱۵.

۲ . خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۱۵-۱۶.

به دو شبهه مهم در این رابطه پاسخ داده‌اند. آن دو شبهه، مربوط است به حفظ زبان فارسی به عنوان جریانی در برابر تحمیل زبان عربی و ایجاد فرقهٔ تشیع در مقابل اسلام اهل تسنن، برای دنبال کردن عقاید زرتشتی.

در تلخیص کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران اگر چه تفکیک سه بخش مذکور حفظ شده، اما سعی شده مطالب هر بخش با طبقه‌بندی منطقی و منسجم‌تری ارائه گردد که در فهرست مطالب و متن کتاب ملاحظه خواهد کرد.

استاد مطهری ارجاعات به کتاب‌های مورد استناد را به نحو کامل انجام داده است که به خاطر رعایت اختصار این ارجاعات در خلاصه حذف شده است.

کتاب بعدی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر نام دارد که در اصل، خطابه‌ای را نشده‌ای است که بنا بود در روز ۱۴ شعبان ۱۳۹۸ (تیر ماه ۱۳۵۶) حدود یک سال و نیم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی)، در یک کنفرانس عمومی در تهران ایجاد شود که به علت ممانعت پلیس برگزار نشد و یک سال بعد با تفصیل بیشتر به چاپ رسید.

استاد مطهری در این کتاب پس از بررسی اجمالی شخصیت‌ها و جریانات اصلاحی اسلامی در صد ساله اخیر، به‌طور مفصل‌تر در باب نهضت اسلامی ایران و ماهیت، ریشه، هدف، رهبری و آفات آن بحث می‌کند.

با توجه به تاریخ تدوین این اثر، دفاع منطقی از نهضت اسلامی ایران، تجلیل از شخصیت امام خمینی و نقش روحانیت در مبارزات و همچنین دوراندیشی در باب آینده انقلاب از ویژگی‌های مهم این کتاب است.

خلاصهٔ دو کتاب پیرامون انقلاب اسلامی و پیرامون جمهوری اسلامی به صورت تلفیقی و مزجی و در ساختار جدید انجام شده است. به‌خاطر تغییر در نظم ارائه مباحث، لازم است در اینجا اشاره‌ای به مباحث این دو کتاب داشته باشیم.

کتاب پیرامون انقلاب اسلامی شامل این مباحث است:

۱. «آزادی تفکر و عقیده»، سخنرانی در دانشکده الهیات در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲
۲. «ماهیت و عوامل انقلاب اسلامی» که حاصل چند سخنرانی در مسجد الجود تهران، در تاریخ فروردین ۱۳۵۸ است؛
۳. «پیرامون جمهوری اسلامی» که تنظیم و تکمیل دو مصاحبه با استاد مطهری در سیماه جمهوری است که قبل از رفراندوم جمهوری اسلامی انجام شده است؛
۴. «پیرامون جمهوری اسلامی»، مصاحبه دکتر سروش با استاد مطهری؛
۵. چهار سخنرانی در مسجد فرشته که در فروردین سال ۱۳۵۸ انجام شده‌اند، با عنوانیں عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی، معنویت در انقلاب اسلامی، روحانیت و انقلاب اسلامی.
اما کتاب پیرامون مطبوعاتی استاد مطهری که دو هفته قبل از شهادت ایشان در تاریخ ۵۸/۱/۲۷ انجام شده است؛
۶. «وظایف حوزه‌های علمیه» که در اصل مقاله‌ای از استاد مطهری است؛
۷. «زنان و انقلاب اسلامی» که ترکیب یک مقاله و یک سخنرانی استاد است و گویا ایشان در نظر داشته این مجموعه را پس از تکمیل در چاپ جدید کتاب مسئله حجاب اضافه کند که ترور ناجوانمردانه ایشان این اجازه را نمی‌دهد؛
۸. «اهداف روحانیت در مبارزات»، سخنرانی در دانشگاه صنعتی تهران در آبان ماه سال ۱۳۵۷؛
۹. «آزادی عقیده»، دو سخنرانی در حسینیه ارشاد در پاییز سال ۱۳۴۸؛
۱۰. یادداشت‌های استاد در موضوعات اسلام، انقلاب و حکومت.
چاپ اول دو کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» و «پیرامون جمهوری اسلامی» به ترتیب در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۶ انجام شده است.
۱۱. کتاب بعدی، اسلام و مقتضیات زمان است که در دو مجلد چاپ می‌شود و جلد اول آن تنظیم شده یادداشت‌هایی از ۲۶ جلسه سخنرانی استاد مطهری، در

شب‌های ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۴۵ است که با مقاله‌ای از استاد به عنوان مقدمه کتاب آغاز می‌شود و جلد دوم آن شامل مجموعه بحث‌های استاد مطهری در انجمن اسلامی پژوهشگان در سال ۱۳۵۱ به ضمیمه برخی دیگر از مباحث مرتبط است. این کتاب اولین بار در سال ۱۳۶۶ به چاپ رسید.

به خاطر پراکندگی بسیار زیاد موضوعات، در این کتاب و به منظور استفاده بیشتر خوانندگان، تلاش شده که خلاصه تنظیم شده علاوه بر تلخیص، نظم منطقی مطلوبی به مباحث بدھد که در سه فصل «تغییرات زمانه و اسلام»، «مکانیسم انطباق اسلام با زمان» و «عدم سریان تغییر در همه چیز»، ملاحظه خواهید کرد.

سخن اصلی استاد مطهری در این کتاب در جواب به شبهه عدم سازگاری اسلام و مقتضیات زمان، به خاطر ثابت بودن اسلام و متغیر بودن مقتضیات زمان را می‌توان چنین خلاصه کرد که اولاً احکام اسلام کاملاً ثابت و تغییرناپذیر نیست، ثانیاً تمام مقتضیات زمان، متغیر نمی‌باشد و ابعاد ثابتی هم دارد، ثالثاً اسلام برای ابعاد و نیازهای ثابت، احکام ثابت و برای نیازهای متغیر، احکام متغیر، در نظر گرفته است.

در رابطه با مباحث این کتاب استاد مطهری دو سخنرانی دیگر نیز انجام داده‌اند با عنوان‌ین «اسلام و نیازهای جهان امروز» و «قوانين اسلام در مقایسه با توسعه و تحول دنیای جدید» که اخیراً در کتاب پانزده گفتار چاپ شده و مراجعه به آن می‌تواند تکمیل‌کننده مباحث کتاب اسلام و مقتضیات زمان باشد.

کتاب بعدی شامل دو بخش غیر مرتبط است: بخش اول یعنی «قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالیٰ فرجه از دیدگاه فلسفه تاریخ» ابتدا به صورت مقاله‌ای کوتاه در یک نشریه دینی منتشر شد و بخش دوم با عنوان «شهید» نیز تفصیل سخنرانی استاد در شب عاشورای ۱۳۹۳ (۱۳۵۱ شمسی) است.

این کتاب اولین بار در سال ۱۳۵۶ چاپ شد و در چاپ ششم آن، استاد مطهری مقدمه کوتاهی بر آن نوشت. همان‌طور که خود استاد اشاره می‌کند، آن‌چه در بخش اول آمده، فلسفه تاریخ نیست، بلکه بررسی یک ایده اسلامی از

دیدگاه فلسفه تاریخ است و ضمناً اشاره‌ای به فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن و معارف اسلامی هم هست.^۱

استاد مطهری مباحث مفصلی در باب فلسفه تاریخ دارند که در کتابی با همین عنوان چاپ و تاکنون سه جلد آن منتشر شده است. برخی دیگر از این مباحث در جلد پنجم مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی تحت عنوان جامعه و تاریخ، آمده است.

آخرین کتاب خلاصه‌شده، جهاد نام دارد که حاصل چهار جلسه تفسیر قرآن کریم در مسجد الجواد تهران، در سال ۱۳۵۰ است و اولین بار در سال ۱۳۶۳ چاپ شده است. استاد مطهری مباحث دیگری پیرامون جهاد، در انجمن اسلامی پژوهشکاران داشته که هنوز منتشر نشده و انتشارات صدرا سال‌هاست اعلام کرده این مباحث در دست تنظیم است و به فضل خدا منتشر خواهد شد.^۲ توفیق همه خدمتگزاران به اسلام عزیز را از خداوند مسأله داریم.

مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام

علی اصغر خندان

مهر ۱۳۸۱

۱. قیام انقلاب مهدی، ص ۱۰.

۲. جهاد، مقدمه.

خلاصه کتاب

خدمات متقابل اسلام و ایران

پیشگفتار

از ابتدای دورهٔ هخامنشی که تمام ایران امروز ما تحت یک فرمان درآمد، تقریباً ۲۵۰۰ سال می‌گذرد و تاریخ، شهادت می‌دهد که در این دوران هرگاه با یک قوم و ملت دیگر مواجه شده‌ایم، مقاومت کرده‌ایم و در ملیّت دیگران هضم نشده‌ایم؛ ولی این علاقهٔ ما به ملیّت خود، سبب نشده است که در برابر حقایق خصوص نکنیم و در تعصبات کورکورانه باقی بمانیم. همچنان‌که چهارده قرن اخیر را با اسلام به سر برده‌ایم و همه چیز ما با این دین توأم بوده است و از هیچ تلاشی در راه ترقی و اشاعه و ترویج آن فروگذاری نکرده‌ایم و حال حدود ۹۸ درصد از ما مردم ایران مسلمانیم، به اسلام به حکم این که مذهب ماست، ایمان و اعتقاد داریم و به ایران، به حکم این که میهنه ماست مهر می‌ورزیم. از این رو سخت علاقه‌مندیم که مسائلی را که به این دو و روابط آن‌ها با یکدیگر مربوط می‌شود، درک کنیم. عمدهٔ این مسائل در سه پرسش زیر خلاصه می‌شود:

۱. ما هم احساسات مذهبی داریم و هم احساسات میهنی ایرانی؛ آیا این دو با یکدیگر تناقض دارد یا خیر؟
۲. اسلام با ورود خود به ایران، چه تحولات و دگرگونی‌هایی در این سرزمین به وجود آورد و این دگرگونی‌ها در چه جهت بود؟ به عبارت دیگر آیا ورود اسلام به ایران، موهبت بود یا فاجعه؟

۳. ملل بسیاری به اسلام گرویدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدنی عظیم و باشکوه به نام «تمدن اسلامی» به وجود آورند. سهم ما ایرانیان در این تمدن و خدمات آن چه مقدار بوده است؟ و علاوه بر آن، انگیزه ایرانیان از این خدمات چه بوده است؟

این سه پرسش به ترتیب در سه بخش این کتاب پاسخ داده شده است:

- ۱ - اسلام و مسأله ملیت (اسلام از نظر ملیت ایرانی)
- ۲ - خدمات اسلام به ایران
- ۳ - خدمات ایران به اسلام*

* . خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۱۴-۱۳ و ۴۸-۴۷.

فصل اول

اسلام از نظر ملیت ایرانی

مقدمه

یکی از بحث‌هایی که در قرن حاضر در میان تمام ملل رواج بسیار داشته است، بحث «ملیت» است. این موج ابتدا در اروپا بالا گرفت و چه بسا در آن‌جا طبیعی بود، زیرا مکتبی که بتواند ملل اروپا را در یک واحد انسانی و عالی جمع کند، وجود نداشت. این بحث سپس سلاح استعمار برای اجرای اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» شد، و با سرگرم کردن ملت‌ها به افتخارات موهم قومی و ملی، آن‌ها را به مرور از یکدیگر جدا کرد و در همین دوره بود که پدیده‌هایی همچون «پان ترکیسم» و «پان عربیسم» به وجود آمد. در جامعه اسلامی هم این بحث نه به دست مردم، بلکه از سوی دولتها و حکومتها و بالاتر از آن از سوی قدرت‌های اروپایی و آمریکایی ترویج شد. پیرامون این بحث لازم است چند نکته تذکر داده شود:

اولاً: به طور کلی مسئله ملیت‌پرستی برخلاف اصول تعلیمات اسلام است.

ثانیاً: شاید گفته شود تهییج احساسات ملی در برخی از ملت‌ها باعث رهایی آن‌ها از دست استعمار و استقلال ایشان شده است، ولی باید گفت که برای جامعه اسلامی که قرن‌هاست این مرحله را طی کرده و به وحدت فکری و عقیده‌ای و ایدئولوژیکی رسیده است، این جریان سبب تفرقه و جدایی می‌شود و در حقیقت یک ارتقاب به حساب می‌آید؛ زیرا همان‌طور که تاریخ چند قرن معاصر نشان می‌دهد، اسلام می‌تواند در مبارزات ضداستعماری اثرگذاری

بیشتری نسبت به «ملیت» از خود نشان دهد؛ الجزایر، اندونزی، پاکستان و برخی از کشورهای عربی از این قسمند؛ از سوی دیگر در مواردی که ملل اسلامی بر قومیت تکیه داشته‌اند، شکست خورده‌اند، همچون جریان شکست اعراب از اسرائیل. در این جنگ در اثر قومیت‌گرایی اعراب، در حقیقت عربیسم بود که با صهیونیسم می‌جنگید و نه اسلام با صهیونیسم.

ثالثاً: امروزه هجوم وسیعی در زیر نقاب مبارزه با عرب و عربیت، بر اسلام وارد می‌شود که سعی در تحریک احساسات جوانان خام و بسی خرد دارد و می‌کوشد تا احساسات اسلامی را به ضداسلامی تبدیل کند. البته علی‌رغم نکات مذکور توجه داریم که احساسات ملی تا آنجا که جنبه مثبت داشته باشد و نتیجه‌اش در خدمت به هم وطنان باشد، قابل قبول است.

رابعاً: منطق عالی‌تری از منطق احساسات ملی و ناسیونالیستی وجود دارد و آن این که یک مسئله علمی یا یک نظریه فلسفی یا یک حقیقت دینی را هرگز به دلیل این که ملی و وطنی است، نمی‌توان پذیرفت، همچنان‌که به بهانه این که بیگانه و اجنبی است، نمی‌توان آنرا نادیده گرفت و رد کرد.

اما پس از همه این بحث‌ها، ما فعلاً منطق عالی عقلی و انسانی را کنار می‌گذاریم و با همان منطق احساساتی که شایسته انسان‌های تکامل‌نیافته است، وارد بحث می‌شویم و می‌خواهیم ببینیم با منطق احساسات ملی، آیا باید اسلام را امری خودی بهشمار آوریم، یا امری بیگانه و اجنبی؟ آیا باید آنرا جزو ملیت خود محسوب کنیم و یا خارج از آن؟ بنابراین، بحث ما به دو قسمت تقسیم می‌شود:

(الف) کبرای بحث: طبق این مقیاس، ملیت، یعنی ملاک این‌که چیزی را جزو ملیت یک قوم یا خارج از آن قرار دهیم، چیست؟

(ب) صغای بحث: طبق این مقیاس، آیا اسلام از نظر ملیت ایرانی یک امر «خودی» است یا یک امر بیگانه و اجنبی؟ همچنین مقایسه‌ای از این جهت میان اسلام وزرتشتی‌گری به عمل خواهد آمد، و برای آن عده که این مقدار به ملیت

بودن زرتشت تکیه می‌کند، معلوم خواهد شد که با معیارها و مقیاس‌های ملّی، آیا اسلام بیشتر جنبهٔ ملّی دارد یا زرتشتی گری؟*

کبرای بحث (مقیاس ملّیت)

از لحاظ ادبی کلمهٔ «ملّت»، لغتی عربی به معنی «راه و روش» است و در قرآن هم ۱۵ بار به‌همین معنی ذکر شده است. ولی مفهوم قرآنی این کلمه، با مفهومی که امروز مصطلح فارسی‌زبانان است و از آن کلمهٔ «ملیت» را مشتق کرده‌اند، تفاوت زیادی دراد. از نظر قرآن، یک مجموعهٔ فکری و علمی و روشنی که مردم باید طبق آن عمل کنند، «ملّت» نامیده می‌شود. بنابراین کلمهٔ «ملّت» با داشتن یک تفاوت کوچک با «دین» هم معنی است. در قرون پیش ما هرگز این کلمه را در زبان فارسی به معنی امروز آن به کار نمی‌بردیم و این اصطلاح جدید از دوران مشروطیت به بعد به اشتباہ معمول گشته است، بنابراین یک اصطلاح جدید است. ما امروز به جای مردم آلمان و انگلستان می‌گوییم ملّت آلمان، ملّت انگلستان؛ و احياناً به همهٔ مردم، این کلمه را اطلاق نمی‌کنیم، بلکه مردم را به دو طبقه تقسیم می‌کنیم. طبقهٔ حاکم و طبقهٔ محکوم؛ به طبقهٔ حاکم کلمهٔ «دولت» و به طبقهٔ محکوم، کلمهٔ «ملّت» را اطلاق می‌کنیم. اعراب امروز در مواردی که ما کلمهٔ «ملّت» را به کار می‌بریم، «قوم» یا «شعب» را به کار می‌برند.

از لحاظ اجتماعی، «ملّت» به مجموع مردمی گفته می‌شود که حکومت واحد و قانون واحدی بر آن‌ها حکومت می‌کند. در عرف علوم انسانی، کلمهٔ «مردم» جنبهٔ جامعه‌شناسی بیشتری دارد، در حالی که «ملّت» بیشتر از نظر حقوق و سیاست داخلی یا بین‌المللی مورد نظر قرار می‌گیرد. مسئلهٔ بسیار مهم این است که امروز در جهان، ملل گوناگونی وجود دارد. آن‌چه هر یک از این ملت‌ها را به صورت واحد درآورده است زندگی مشترک و قانون و حکومت مشترک

* . خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۴۸-۵۲

است، نه چیز دیگر از قبیل نژاد و خون و غیره. وجه مشترک این واحدها این است که حکومت واحدی آنرا اداره می‌کند. حتی بعضی از این ملت‌ها سابقه تاریخی زیادی ندارند، بلکه مولود یک حادثه اجتماعی‌اند، مثل بسیاری از ملل خاورمیانه که مولود جنگ بین‌الملل اول و شکست عثمانی‌ها می‌باشند. حقیقت این است که ادعای جدا بودن خون‌ها و نژادها خرافه‌ای بیش نیست. نژاد سامی و آریایی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر فقط در گذشته بوده است، اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و انتقال صورت گرفته است که اشی از نژادهای مستقل باقی نمانده است. شاید بسیاری از اولاد ابوسفیان‌ها امروز سنگ تعصّب ایرانی بودن به سینه می‌زنند.

تا این‌جا دریافتیم که کلمه «ملیت» امروزه یک کلمه مصطلح فارسی می‌باشد که در یک قرن اخیر به وجود آمده است و در معنای آن هیچ مفهومی از خون و نژاد به چشم نمی‌خورد.

از لحاظ اخلاقی؛ «ملیت»، از خانواده «خودخواهی» است که از حدود فرد و قبیله تجاوز کرده، شامل افراد یک ملت شده است و این حس جانبداری می‌تواند توسعه بیشتری هم یافته، در واحدهای «منطقه‌ای و قاره‌ای» نیز به وجود آید. این حس خواه ناخواه عوارض اخلاقی خودخواهی را در پی دارد. این گرایش به جنبه‌های قومی و ملی در زبان اروپایی «ناسیونالیسم» خوانده می‌شود. این‌جا باز باید تذکر داده شود که جنبه‌های مثبت ناسیونالیسم که موجب همبستگی بیشتر و روابط حسنۀ بیشتر و احسان و خدمت بیشتر به کسانی که با آن‌ها زندگی مشترک داریم بشود، مورد تأیید اسلام است.

حال که منظور از کلمه «ملیت» را شناختیم، بینیم چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود که پدیدهای تحت سیطره ملیت قرار گیرد. در این بحث دو نکته اساسی را گوشزد می‌کنیم.

۱) از نظر احساسات ملی و عواطف قومی، نه هر چیزی که از وطن برخاست، جنبه ملی پیدا می‌کند و نه هر چیزی که از مرز و بوم دیگر آمده باشد، بیگانه به شمار می‌رود. مثلاً مردم ایران بعد از ۲۵ قرن رژیم استبدادی، رژیم

مشروطه را به جای آن انتخاب کردند، در صورتی که اولاً^{*} اگر ملاک سابقه تاریخی بود، باز می‌گفتیم رژیم ملی، رژیم استبدادی است و رژیم مشروطه برای ما یک رژیم بیگانه است. ثانیاً رژیم مشروطه را ما ابداع نکردیم و از دنیا خارج، به کشور ما آمده بود، ولی ملت ما آنرا پذیرفت و در راه تحصیل آن فدایکاری‌ها کرد.

(۲) عمدۀ آن است که اولاً بدانیم آن چیز، رنگ ملت بخصوصی دارد یا بی‌رنگ است و عمومی و جهانی است. ثانیاً آیا ملت مورد نظر، آن چیز را به طوع و رغبت پذیرفته است یا به زور و اکراه.

در مورد اول مثلاً نازیسم آلمان و سهیونیزم یهود، رنگ ملت بخصوصی دارد، اگر افراد یک ملت دیگر بخواهند آنرا بپذیرند، برخلاف مليت خود عمل کرده‌اند و احیاناً نوعی تغییر مليت به شمار می‌رود و در مقابل، حقایق علمی و پدیدآورندگان و دارندگانشان به همه جهانیان تعلق دارند و نه به مليت بخصوصی و در مورد دوم، مثلاً اگر ما کیش مانوی و مسلک مزدکی را به اعتبار ابداع کنندگان و پیروان معدودشان در ایران «ملی» به حساب آوریم، عواطف و احساسات اکثریت را نادیده گرفته‌ایم.

صغرای بحث

در قسمت قبل دو ویژگی مهم پدیده‌هایی را که می‌توانند تحت مفهوم مليت قرار گیرند و یا به اصطلاح «ملی» باشند، بیان کردیم. یکی این‌که بدانیم آن چیز رنگ ملت بخصوصی دارد یا بی‌رنگ است؛ و دیگر آن‌که آیا ملت موردنظر، آن پدیده را با رغبت پذیرفته است یا با اجبار. در صغرای بحث، ما اسلام را از این دو نقطه‌نظر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

* . خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۲-۵۲.

۱ - آیا اسلام رنگ ملت بخصوصی دارد؟

در اینجا ما باید به دو پرسش پاسخ دهیم؛ یکی آنکه آیا این اسلام که ما از آن صحبت می‌کنیم، رنگ ملت بخصوصی دارد یا خیر؟ برخی از اروپائیان ادعای می‌کنند که پیغمبر اسلام در ابتدا که ظهر کرد، فقط می‌خواست مردم قریش را هدایت کند، ولی پس از آنکه پیشرفتی در کار خود احساس کرد، تصمیم گرفت که دعوت خویش را به همه ملل عرب و غیرعرب تعمیم دهد. ما پاسخ این بحث را در اثبات دو گزاره زیر خواهیم آورد.

الف) اسلام از آغاز ظهر خویش داعیه جهانی داشته است.

در اثبات این مدعای ما چهار نکته را بیان می‌کنیم:

۱) در قرآن مجید آیاتی هست که نزول آنها در مکه و در همان اوایل بعثت پیغمبر اسلام بوده و در همین حال جنبه جهانی دارد، مانند آیات زیر: «انْ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ لِلْعَالَمِينَ»^۱ (این چیزی جز یک تذکر و بیدارباش برای تمام جهانیان نیست).

۲) «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافِلًا لِلنَّاسِ بِشِيرًا وَ نَذِيرًا...»^۲ (تو را نفرستادیم مگر آنکه برای همه مردم بشارت‌دهنده و بازدارنده باشی...).

۳) «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»^۳ (ای مردم، من فرستاده خدا هستم بر همه شما)

۴) در قرآن هیچ جا خطابی به صورت «یا ایها العرب» یا «یا ایها القُرْیشیون» پیدا نمی‌کنید.

۵) آیاتی در قرآن هست که از مفاد آنها یک نوع اظهار بسیار انتسابی به مردم عرب از نظر قبول دین اسلام استنباط می‌شود؛ بلکه از مجموع این آیات استنباط

۱. تکویر / ۲۷.

۲. سباء / ۲۸.

۳. اعراف / ۱۵۸.

می شود که قرآن مجید روحیه اقوام دیگری غیر از قوم عرب را برای اسلام مناسب‌تر و آماده‌تر می‌داند. این آیات به خوبی جهانی بودن اسلام را می‌رساند.

﴿فَإِن يَكْفُرُوا هُؤُلَاءِ فَقْدُوكُلُّنَا إِلَيْهَا قَوْمًا نَّيْسَوْا إِلَيْهَا بِكَافِرِينَ﴾^۱ (اگر اینان (اعراب) به قرآن کافر شوند، همانا ما کسانی را خواهیم گمارد که قدر آنرا بدانند و به آن مؤمن باشند).

﴿وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ لَمْ لَا يَكُونُوا أُمَّالَكُمْ﴾^۲ (اگر شما به قرآن پشت کنید، گروهی دیگر جای شما را خواهند گرفت که مانند شما نباشند).^۳
اسلام می‌خواهد به اعراب بفهماند که آن‌ها چه ایمان بیاورند و چه نیاورند، این دین پیشرفت خواهد کرد، زیرا اسلام دینی نیست که تنها برای قوم مخصوصی آمده باشد. همچنان که پس از این خواهید دید غیر از همان یکی دو قرن اول، هیچ‌گاه حجază بزرگ‌ترین مرکز اسلامی نبوده است و همیشه ملت‌های غیرعرب پرچمداران اسلام بوده‌اند.

۴) این امر یعنی خروج یک عقیده و مسلک از مرزهای محدود و نفوذ در مرزها و مردم دوردست اختصاص به اسلام ندارد؛ همه ادیان بزرگ جهان بلکه مسلک‌های بزرگ جهان، آن اندازه که در سرزمین‌های دیگر مورد استقبال قرار گرفته‌اند، در سرزمین اصلی خود که از آن‌جا ظهور کرده‌اند مورد استقبال قرار نگرفته‌اند. به طور مثال، بودا در هند متولد شد، اما میلیون‌ها نفر مردم چین و سرزمین‌های دیگر به آیین وی گرویده‌اند؛ و یا مهم‌تر از آن، مسیحیت که اکنون در مغرب‌زمین بیش از مشرق‌زمین گسترش یافته است، پیامبرش یعنی حضرت

۱. انعام / ۸۹

۲. محمد / ۳۸

۳. در ذیل این آیه، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «این امر، یعنی پشت کردن مردم عرب بر قرآن، تحقق پیدا کرد و خداوند به جای آن‌ها موالی (یعنی ایرانیان) را فرستاده و آن‌ها از جان و دل اسلام را پذیرفتد». (میزان‌الحكمه، ج ۳، حدیث ۲۳۹۱) البته مقصود ما این نیست که بگوییم آن قوم دیگر، ایرانیان بودند یا غیر ایرانیان، بلکه می‌خواهیم بگوییم که از نظر اسلام قوم عرب و غیر عرب از نظر قبول یا رد اسلام مساوی بودند.

مسیح علیہ السلام در فلسطین (منطقه‌ای از مشرق زمین) به دنیا آمد.^۱ به کمونیسم بنگردید. کارل مارکس و فردریک انگلس دو نفر آلمانی بودند که پایه کمونیسم امروز را ریختند. کارل مارکس اوخر عمر خود را در انگلستان گذراند، ولی ملت آلمان و ملت انگلستان زیر بار این مردم نرفتند و فکر آن‌ها در کشور دور افتاده سوری یا چین رواج یافت.*

ب) مقیاس‌های اسلامی، جهانی است، نه ملی و قومی و نژادی.

در این قسمت ما اسلام را از لحاظ خواص درونی و نوع شاخص‌هایی که برای ارزیابی پدیده‌ها به ما می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌دهیم. این بررسی در دو حوزهٔ قرآن و سنت پیامبر ﷺ انجام می‌گیرد.

اسلام بشدت با مسائلی همچون خویشاوندپرستی و تفاخر به قبیله و نژاد مبارزه می‌کند. قرآن، در کمال صراحةً می‌فرماید: «بِاَئُهَا النَّاسُ اَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ تَتَعَارَفُوا اِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اَنَّا خَلَقْنَاكُمْ»^۲ (يعنى اى مردم، ما همه شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبائل قراردادیم تا به این وسیله یکدیگر را بشناسیم، گرامی ترین شما نزد خدا باتفاقاترین شمامست).^۳ در سنت پیامبر ﷺ هم، بیانات و طرز رفتار آن حضرت با غیراعرب و نیز قبائل مختلف عرب، راه اسلام را کاملاً مشخص کرده است. زیرا همواره تقوا به عنوان ملاک مقیاس برتری عنوان می‌شود. پیغمبر اکرم ﷺ، بلا لحبشی را همان‌گونه با آغوش باز می‌پذیرفت که

۱ . علت این که اروپائیان که القا کننده این افکار تعریف‌انداز هستند، هرگز درباره خودشان این جور فکر نمی‌کنند و مواجهه دوگانه‌ای در مورد ادیان دارند، این است که آن‌ها اسلام را مزاحم اندیشه‌های استعماری خود می‌بینند، والا اگر اسلام برای ایرانی، بیگانه است، مسیحیت نیز برای اروپایی و آمریکایی، بیگانه است.

* . خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۶-۶۲.
۲ . حجرات / ۱۳.

۳ . مطابق روایات منقول از امام صادق علیه السلام، مقصود از «قبائل»، واحده‌ایی نظیر واحد عربی است که به صورت قبیله زندگی می‌کنند، و مقصود از کلمة «شعوب» واحده‌ایی ملی است که به صورت یک واحد بزرگ‌تر زندگی می‌کنند. (مجامع‌البيان، ج ۹، ص ۲۲۹)

مثلاً ابوذر غفاری را می‌پذیرفت. پس معلوم شد مقیاس‌های اسلامی، مقیاس‌های کلی و عمومی و انسانی است، نه قومی و نژادی و ملی.

در اینجا لازم است یک مسئله تاریخی را متذکر شویم. زمانی که اسلام ظهر کرد، در میان اعراب، مسئله خویشاوندپرستی و تفاخر به قبیله و نژاد بشدت وجود داشت، اماً عرب‌ها در آن زمان چندان به عربیت خود نمی‌بالیدند، زیرا هنوز قومیت عربی به صورتی که عرب خود را یک واحد در برابر سایر اقوام ببیند، وجود نداشت. در حقیقت تأکید بر عنصر عربیت در زمان تسلط امویان و سیاست ضد اسلامی آن‌ها بنیان نهاده شد. اماً تأکیدات رسول اکرم ﷺ درباره بی‌اساس بودن تعصبات قومی و نژادی، چنان اثر عمیقی در قلوب مسلمین، بالاًخص غیرعرب گذاشته بود که مظالم و تبعیضات نژادی خلفای اموی نتوانست مسلمانان غیرعرب را به اسلام بدلین کند؛ همه می‌دانستند حساب اسلام از کارهای خلفاً جداست و اعتراض آن‌ها بر دستگاه خلافت همیشه بر این‌اساس بود که چرا قوانین اسلامی عمل نمی‌شود و به همین خاطر بود که مسلمانان غیرعرب بخصوص بعضی از ایرانیان که به مبارزه با آن‌ها برخاستند، خود را «أهل تسويه» (یعنی طرفدار مساوات) و «شعویه»^۱ خوانند.*

۲ - آیا ملت ایران اسلام را با رغبت پذیرفته است؟

اکنون می‌خواهیم ببینیم آیا اسلام شرطِ دوم «ملی بودن یا اجنبی نبودن یک پدیده» را داراست یا نه؟ یعنی آیا اسلام در ایران پذیرش ملی داشته است؟ یا همان‌طور که برخی اظهار می‌دارند آیین مزبور را بر خلاف تمایلات مردم ایران

۱. با توجه به آیه بالا (حجرات/۱۳) و حدیثی که از امام صادق علیه السلام در ذیل آن آیه آمد، وجه این که «شعویه» خود را به این نام خوانده‌اند، روشن است و این دو می‌رساند که نهضت شعویه یک نهضت ضد تعصب عربی و یک نهضت طرفدار اصول اسلامی بوده است؛ لاقل اساس این نهضت، چنین بوده است؛ اما اگر احیاناً افرادی که خود را به ضدیت با اسلام کشانده باشند، دلیل بر ضد اسلامی بودن شعویان نمی‌شود. (بعداً در این مورد بیشتر صحبت می‌کنیم.)

*. خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۶۹-۶۶.

به آنان تحمیل کرده‌اند؟ خوشبختانه تاریخ ایران و اسلام با آن همه دسایسی که استعمارگران می‌خواهند به کار ببرند، کاملاً روشن است و ما برای آن‌که شما را بهتر با حقیقت آشنا کنیم، ناگزیریم تاریخ ایران را ورق بزنیم و ورود اسلام را در این کشور از آغاز مورد بررسی قرار دهیم. عده‌ای فکر می‌کنند که جنگ مسلمانان بر علیه ایران اوّلین برخورد ایرانیان و مسلمانان است و پیش از آن، ایرانیان هیچ‌گونه اطّلاعی از اسلام نداشتند و به آن توجهی نمی‌کردند، اما تاریخ نشان می‌دهد که این‌گونه نیست.

اگر از نظر فردی در نظر بگیریم، شاید اوّلین فرد مسلمان ایران، سلمان فارسی است، و چنان‌که می‌دانیم اسلام این ایرانی جلیل، آنقدر بالا گرفت که به تشرّف «سلمانٌ مَنَّا هُلَّ الْيَسِّ»^۱ نائل شد. اما از نظر جمعی، طبق گواهی تاریخ، پیامبر اکرم ﷺ در سال ۶ هجری، نامه‌هایی به سران کشورهای جهان نوشتند و آن‌ها را به اسلام دعوت کردند، یکی از نامه‌ها، نامه‌ای بود که به خسروپرویز پادشاه ایران نوشتند و او را به اسلام دعوت کردند، ولی خسروپرویز تنها کسی بود که نسبت به آن حضرت اهانت کرد و آن نامه را درید. خسرو به پادشاه یمن که دست‌نشانده حکومت ایران بود، دستور داد که درباره این مرد ملدّعی پیغمبری که به خود جرأت داده که به او نامه بنگارد و نام خود را قبل از نام او بنویسد، تحقیق کند و در صورت لزوم او را نزد خسرو بفرستد. اما هنوز فرستادگان پادشاه یمن در مدینه بودند که خسرو به دست پسرش کشته شد. رسول اکرم ﷺ قضیه را به فرستادگان پادشاه یمن اطّلاع داد. آن‌ها با حیرت تمام خبر را برای پادشاه یمن برندند و پس از چندی معلوم شد که قضیه همچنان بوده که رسول اکرم ﷺ خبر داده است. خود پادشاه یمن و عده‌ای زیادی از یمنی‌ها بعد از این جریان، مسلمان شدند و همراه آنان گروه زیادی از ایرانیان مقیم یمن نیز

۱. سلمان، از اهل بیت ماست. (عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۰)

اسلام اختیار کردند.^۱ همچنین در زمان حیات پیغمبر اسلام ﷺ، در اثر تبلیغات اسلامی، عده‌های زیادی از مردم بحرین - که آن روز محل سکونت ایرانیان مجوس و غیرمجوس بود - به آیین مسلمانی درآمدند، و حتی حاکم آنجا که از طرف پادشاه ایران تعیین شده بود، مسلمان شد. لذا اوئین اسلام گروهی ایرانیان، در یمن و بحرین بوده است. طبعاً این خود وسیله‌ای بود برای این‌که خبر اسلام به ایران برسد و کم و بیش مردم ایران با اسلام آشنا شوند. خصوصاً با توجه به این‌که وضع دینی و حکومتی آن روز ایران طوری بود که مردم تشنهٔ یک سخن تازه بودند، در حقیقت در انتظار فرج به سر می‌بردند؛ هرگونه خبری از این نوع، به سرعت در میان مردم می‌پیچید و مردم می‌پرسیدند که این دین جدید اصولش چیست؟ فروعش چیست؟

تا این‌جا ارتباط ایرانیان با اسلام را تا قبل از شکست ایرانیان مورد توجه قراردادیم و فهمیدیم که مردم ایران تا حدودی از اسلام آگاهی داشتند. حالا می‌خواهیم به مسئلهٔ شکست ایرانیان از مسلمانان پردازیم. در اواخر دوران خلافت ابوبکر و تمام دوران خلافت عمر در اثر جنگ‌هایی که میان دولت ایران و مسلمانان پدید آمد، تقریباً تمام مملکت ایران به دست مسلمانان افتاد.* جیره‌خواران استعمار، ناجوانمردانه نهضت اسلامی را در ردیف حملهٔ اسکندر و مغول قرار می‌دهند. در این‌جا ممکن است گفته شود علت پیروزی مسلمانان، شور ایمانی و هدف‌های روشن و ایمان و اعتقاد آن‌ها به رسالت تاریخی خود و اطمینان کامل به پیروزی، بالآخره ایمان و اعتقاد محکم آنان نسبت به خدا و روز جزا بود. البته در این‌که این حقیقت در این پیروزی دخیل بوده است، حرفی

۱. [در مورد علت حضور ایرانیان در یمن و چگونگی اسلام آوردن ایشان و حوادث و اتفاقات یمن در آن سال‌ها و همچنین خدمات ایرانیان به اسلام در آن زمان، بهتر است به نوشته آقای عزیزالله عطاردی در صفحات ۷۳-۷۸ کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران مراجعه کنید که به دلیل عدم ربط مستقیم به بحث ما در این‌جا آورده نشد.]
* خدمات متقابل اسلام و ایران، صص ۷۰-۷۳.